

## مدل مفهومی توسعه زمین پایه کشت گندم

عباس سحرخیز<sup>۱</sup>، ایرج ملک محمدی<sup>۲</sup> و غلامحسین زمانی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (abbassaharkhiz@gmail.com)

۲- استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

۳- استاد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

### چکیده

روند توسعه بخش کشاورزی ایران متأثر از سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی، نوسازی صنعتی، انتقال فناوری و تأکید بر افزایش تولید و صادرات، بدون توجه به آمایش، استعداد و قابلیت‌های زمین، منجر به ناپایداری بخش کشاورزی و در نتیجه عدم دستیابی به هدف خود که همان خودکفائی است شده است و این امر به دلیل نبود الگویی زمین پایه و مناسب برای توسعه کشت محصولات که محل هر چیزی را بر روی زمین یا فضای فیزیکی با توجه به شرایط مناطق مختلف مشخص کند می‌باشد. این پژوهش با رویکرد ظرفیت‌گرا، با هدف طراحی مدل زمین پایه توسعه کشت گندم و با دیدمان کیفی انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی استفاده شد. پردازش داده‌ها در فرایند کدگذاری باز با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰ منجر به استخراج ۹۲ (با ۳۷۷ تکرار) مفهوم و کد باز و ۲۷ مقوله فرعی در قالب سه سویه یا مقوله اصلی شد. یافته‌های تحقیق نشان دادند که سویگان اصلی توسعه زمین پایه کشت گندم متشکل از عامل‌های اقتصادی با ۱۰ متغیر، عامل‌های اجتماعی با هفت متغیر و عامل‌های محیطی با ۱۰ متغیر است. مقایسه مدل نرم‌افزاری و مدل نظری نشان داد که متغیر نوع بهره‌برداری به دلیل عدم تکرار و ارتباط حذف شد و متغیرهای سن، شغل و تحصیلات در متغیر ویژگی‌های جمعیتی ترکیب شدند و متغیرهای یکپارچه‌سازی اراضی، سطح زیر کشت، روش آبیاری، قیمت و هزینه به عوامل اقتصادی؛ متغیرهای مالکیت، آموزش و ترویج، فقر و تنگدستی، دانش فنی و عملکرد نیروی کار به عوامل اجتماعی و متغیرهای نوع کشت، کاربری اراضی، آیش، الگوی بهینه کشت، GDD و استفاده از کود و سم به عوامل اقلیمی اضافه شدند. واژه‌های کلیدی: آمایش، زمین پایه، توسعه کشت گندم، رویکرد ظرفیت‌گرا، مطالعات اسنادی